

## بررسی نقش دلبستگی مکان در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت

### انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران

معصومه قیمتی<sup>۱</sup>، ایرج اعتصام<sup>۲\*</sup>، علی علایی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گروه معماری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. masoumeh.ghemati@gmail.com  
<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. irajetesam11@gmail.com  
<sup>۳</sup> گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. dr.a.alaie@gmail.com

#### چکیده

هویت افراد جامعه در پرتو علل و عوامل مختلفی شکل می‌گیرد. مکان یا محیط یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در هویت‌بخشی به افراد است. ورود و توسعه‌ی تفکر مدرن در شهر ایرانی، موجب تغییر و دگرگونی کالبد و شکل شهر در یک قرن گذشته شده است. این روند به ویژه در یک دهه گذشته و بعد از انقلاب اسلامی، با رشد تکنولوژی سرعت داده شده است. با این وجود سازمان‌دهی جامع و کاملی برای تغییر ذهنیت افراد و سازگاری هویتی آن‌ها با کالبد جدید صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد حضور و استفاده شهروندان از این محیط‌های تغییر شکل داده شده، به تدریج موجب به وجود آمدن نوعی دلبستگی مکانی در آن‌ها شده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر رویکرد کمی و کیفی انجام شده است. برای رسیدن به هدف پژوهش، پس از تعریف و تبیین مفاهیم دلبستگی مکانی، هویت مکانی و ظرفیت انطباقی، مدل مفهومی تحقیق تبیین و تعریف شد و بر مبنای آن پرسشنامه‌ای ساختار یافته، طراحی شد. شهروندان و ساکنان منطقه یک شهر تهران با توجه به شرایط ساختمان‌های مدرن این منطقه، به عنوان نمونه مورد مطالعه تحقیق انتخاب شدند. بنابراین، پس از توزیع پرسشنامه تحقیق و بررسی این داده‌ها به روش مدلسازی معادلات ساختاری، یافته‌های تحقیق گزارش شد. نتایج استخراج شده از یافته‌ها نشان دادند که دلبستگی مکانی به تنهایی و به صورت مستقیم قادر به ساخت هویت در شهر مدرن نخواهد بود و لازم است پیش از آن نوعی انطباق و سازگاری ذهنی در ادراکات شهروندان نسبت به شرایط محیطی جدید صورت پذیرد.

#### اهداف پژوهش:

۱. دستیابی به شاخص‌های دلبستگی مکانی شهروندان منطقه یک شهر تهران از نماهای مدرن.
۲. شناخت و مطالعه چگونگی اثرگذاری دلبستگی مکانی نماهای شهری مدرن بر شکل‌گیری هویت مکانی در شهروندان منطقه ۱ شهر تهران.

#### سؤالات پژوهش:

۱. چه شاخص‌هایی معرف و نشان‌دهنده دلبستگی مکانی در شهروندان منطقه یک شهر تهران می‌باشند؟
۲. نماهای شهری مدرن، با در نظر گرفتن ظرفیت انطباقی افراد، چگونه و طی چه سازوکاری بر هویت مکانی آن‌ها در منطقه یک شهر تهران اثرگذار می‌باشند؟

#### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۹

دوره ۱۷

صفحه ۳۰۸ الی ۳۲۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

#### کلمات کلیدی

دلبستگی مکانی،  
هویت مکانی،  
ظرفیت انطباقی،  
نماهای شهری،  
تهران.

#### ارجاع به این مقاله

قیمتی، معصومه، اعتصام، ایرج، علایی، علی. (۱۳۹۹). بررسی نقش دلبستگی مکان در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران. هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۳۰۸-۳۲۱.

doi dx.doi.org/10.22034/IAS  
۲۰۲۰۲۵۳۳۹۱۴۲۱  
www.SID.ir

## مقدمه

بررسی دوره‌های تاریخی معماری ساختمان‌های مسکونی پس از انقلاب اسلامی در ایران نشان می‌دهد که در طی سه دهه گذشته تغییر چشم‌گیری در نمای معماری از حالت سنتی و با هویت مکانی گذشته نسبت به نماهای مدرن و کلاسیک به وجود آمده است. این امر سبب شده است که تصویر ذهنی شهروند ایرانی نسبت به نماهای مسکونی دستخوش تغییر شود و با نوعی بحران هویت مواجه شود؛ چراکه شاهد دگرگونی اساسی در فرم و کالبد این نماهای مسکونی به وجود آمده است. بسیاری از صاحب‌ظران حوزه روانشناسی محیطی بر این عقیده‌اند که در تماس بودن افراد با محیط پیرامونی که در آن زندگی می‌کنند و برآورده شدن نیازهای آن‌ها توسط محیط، به طور تدریجی موجب وابستگی به آن محیطی و به وجود آمدن دلبستگی مکانی در آن‌ها می‌شود. علیرغم تغییر و دگرگونی‌های گسترده‌ای که در کالبد نماهای ساختمانی مسکونی در قالب نماهای آن‌ها رخ داده است، ولیکن، به نظر می‌رسد استفاده از این مکان‌ها در طی زمان موجب افزایش دلبستگی مکانی در آن‌ها می‌شود و منجر به ایجاد نوعی انطباق‌پذیری ذهنی افراد با آن می‌شود. با توجه به نقشی که معماری به عنوان ویژگی محیطی در هویت‌یابی افراد دارد، بنابراین بررسی این موضوع در معماری منطقه‌ای تهران می‌تواند به عنوان یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی مطرح گردد.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلاً با این عنوان به رشته تحقیق در نیامده است ولی آثاری در حوزه نقش معماری در هویت‌بخشی در ایران نگاشته شده است. مقاله‌ای با عنوان «نقش کیفیت طراحی و اجرا در تحقق مفهوم هویت در معماری معاصر ایران» به قلم مهدوی‌نژاد و طالب هاشمی به رشته تحریر در آمده است. نگارندگان این اثر برآنند که موضوع هویت از مباحث مهم در معماری معاصر ایران است. هم‌چنین با توجه به همبستگی میان دو پارامتر هویت و کیفیت طراحی و اجرا، یکی از عواملی که می‌تواند به ارتقای مفهوم هویت کمک کند، توجه به کیفیت طراحی و اجراست که خود به عوامل متفاوتی نظیر شاخص‌های بیان شده بستگی دارد و با توجه به سهم هر یک از این عوامل می‌توان از آن‌ها کمک گرفت. این شاخص‌ها و تلاش در ارتقای آن‌ها می‌تواند به تحقق مفهوم هویت در معماری معاصر ایران کمک کند (مهدوی‌نژاد، طالب هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). با توجه به نکات گفته شده، این تحقیق در پی بررسی اثرات میزان دلبستگی به مکان در نماهای ساختمانی مسکونی مدرن بر پایه ظرفیت انطباقی افراد و شکل‌گیری هویت مکانی جدید در آن‌ها می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، با استفاده از روش پیمایش پرسش‌نامه‌ای بر پایه مدل مفهومی استخراج شده از مبانی نظری تحقیق، شهروندان در منطقه یک شهر تهران مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی می‌باشد. روش‌شناسی پژوهش از طریق تحلیل‌های آماری و به صورت استنباطی صورت پذیرفته است؛ بدین گونه که ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی ادبیات موجود در این زمینه و استخراج آراء و اندیشه صاحب‌نظران پرداخته شده است. سپس بر مبنای سه شاخص، مستخرج از ادبیات پژوهش، مدل مفهومی تحقیق استخراج شد و سپس بر مبنای آن پرسشنامه ساختاریافته ۱۵ سوالی و بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت، طرح شد و بین شهروندان در منطقه یک شهر تهران توزیع شد. نهایتاً، کدهای پرسشنامه استخراج شد و در نرم افزار SPSS و Smartpls به روش مدلسازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. دو رویکرد کلی در هنگام انجام تحلیل‌ها در مدلسازی معادلات ساختاری وجود دارد: رویکرد اول بر

مبنای CB-SEM می‌باشد و رویکرد دوم بر مبنای استفاده از PLS-SEM می‌باشد. در همین راستا، Wang و همکارانش (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که از شروطی که پژوهشگر را توجیه می‌کند که از روش PLS در مدل استخراج شده خود استفاده کند، نوین بودن مدل مفهومی پژوهش است. به عرات دیگر، اگر مدل مفهومی پژوهش، به منظور پر کردن خلاء دانشی در موضوع مورد نظر و یا در جغرافیای خاص انجام شود، استفاده از روش PLS با توجه به قابلیت انعطاف‌پذیری آن و نزدیکی به زبان انسان ارجحیت بیشتری دارد. بنابراین، با توجه به نوآورانه مدل مفهومی تحقیق حاضر در محدوده دانشی مرتبط با آن، مدل تحقیق حاضر را با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و تکنیک Partial Least Squares در نرم‌افزار SmartPls مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱. مروری بر مفاهیم دلبستگی مکانی، ظرفیت انطباقی و هویت مکانی

مباحث فراوانی در تعریف و تبیین مفاهیم هویت مکانی، دلبستگی مکانی و ظرفیت انطباقی و چگونگی ارتباط این مقوله‌ها با یکدیگر وجود دارد (Cutter et al, 2008; Rajib et al., 2014). ظرفیت انطباقی توانایی افراد یا گروه‌ها در پاسخگویی به تنش‌های حاصله از تغییرات محیطی و یا توانایی برگشت از وضعیت تنش به وضعیت عادی می‌باشد (Habibi et al, 2020; Seara et al, 2016). افزایش ظرفیت انطباقی به وسیله برنامه‌ریزی مناسب اصل اساسی در ارتقا شکل‌گیری متغیرهای روانی می‌باشد (Wagner et al, 2014). ظرفیت انطباقی بسیار وابسته به بافت پیرامونی خود می‌باشد و بین مناطق، گروه‌ها، جوامع و افراد مختلف متفاوت است: (Gheitarani et al, 2020). یکی از نکات مهم در مطالعه انطباق‌پذیری و ظرفیت انطباقی این موضوع است که رفتار افراد در مواجهه با تغییرات محیطی مورد بررسی قرار گیرد و این موضوع مشخص شود که روش انطباق‌پذیری آن‌ها از چه متغیرهایی تاثیر می‌پذیرد (Brooks et al, 2005). نحوه شکل‌گیری «انطباق‌پذیری» در مواجهه با تغییرات محیطی را این‌گونه بیان می‌کند که آسیب‌پذیری و متعاقب آن انطباق‌پذیری با شرایط جدید برآیند نیروهای متفاوت در دو مقیاس گسترده و محلی می‌باشد که از جمله این نیروها می‌توان نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نام برد. ارتقائ هر یک از دامنه‌هایی که منجر به فرایند انطباقی می‌شوند، به‌طور مجزا، منجر به افزایش ظرفیت انطباقی خواهند شد. بسیاری از پژوهشگران بیان کرده‌اند که یکی از این دامنه‌ها، مقوله معنا، هویت و دلبستگی مکانی بین ساکنانی است که با اثرات تغییرات محیطی در معیشت و روند کلی زندگی خود مواجه شده‌اند (Gifford, 2011; JA Fresqu and Baxter, 2012). ظرفیت انطباقی به روش‌های متفاوتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها آستانه یا محدوده غلبه‌پذیری می‌باشد.

شرایط محیطی که یک سیستم می‌تواند به کار خود ادامه دهد و قابل اسکان باشد، همچنین قابلیت بازبازی داشته باشد را آستانه یا محدوده غلبه‌پذیری نامیده می‌شود (de Loe and Kreutzwiser, 2000; Smit and Pilifosova, 2003). ظرفیت انطباقی و محدوده غلبه‌پذیری هر سیستم در طول زمان ثابت نمی‌باشد و تغییر شرایط اجتماعی-اقتصادی محیط می‌تواند به افزایش یا کاهش آن منجر شود (deVries, 1985). هنگامی که در محیط تنش‌های حاصل از تغییرات محیطی به وجود می‌آید، میزان ظرفیت انطباقی افراد و گروه‌ها معمولاً با استفاده از درک آن‌ها از محیط و به‌طور ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا افراد غالباً بر مبنای ذهنیت خود عمل می‌کنند (Smith and

(Marshal and Marshal, Clay, 2010) (۲۰۰۷) مقیاسی ۱۱ سؤالی برای استخراج ذهنیت افراد در رابطه با ظرفیت انطباقی آن‌ها با شرایط جدید ارائه کرده‌اند که مورد استفاده غالب پژوهشگران در رابطه با استخراج ظرفیت انتخابی افراد قرار می‌گیرد. از طرفی بررسی مفاهیم مرتبط با هویت مکانی بیان‌گر این امر است که نقش دلبستگی مکانی نیز در این مطالعات غیر قابل انکار است. به‌طور کلی، زمانی که مکان در تعریف شخصی افراد می‌گنجد می‌توان از هویت و دلبستگی مکانی نام برد (Proshansky, Fabian, & Kaminoff, 1983). مفهوم دلبستگی مکانی در حوزه‌ی روانشناسی محیطی و مدیریت محیطی طی دو دهه‌ی اخیر بسیار مورد توجه بوده است. با این حال یک وفاق جمعی راجع به مفهوم تا به حال وجود نداشته است (Scannell et al, 2010). دلبستگی مکانی در دسته‌ی مفاهیم مشابهی قرار می‌گیرد نظیر هویت مکانی و حس مکان (Proshansky et al, 1983;). در سال ۲۰۰۹، Trentelman با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی دلبستگی مکانی پیشنهاد کرد که ابعاد زمینه‌های اجتماعی و طبیعی مبنای تشکیل‌دهنده‌ی مفهوم دلبستگی مکانی هستند (Trentelman, 2009). هویت مکانی و وابستگی مکانی دو سازه‌ای هستند که از چنین مطالعاتی برای دلبستگی مکانی پیشنهاد گردیده اند (Raymond et al, 2010). دلبستگی مکانی نیز به عوامل عملکردی و ارتباطات کارکردی در مکان برای کاربر اشاره دارد. به عبارت دیگر این مفهوم را میتوان معادل درجه‌ای از عوامل فیزیکی که شرایط مکان برای کاربر فراهم میکند تعریف کرد (Kim & Kaplan, 2004). با توجه به نکات گفته شده، مدل تصویر (۱) را می‌توان به عنوان مدل مفهومی پیشنهادی تحقیق حاضر در راستای چگونگی اثرگذاری دلبستگی مکانی بر شکل‌گیری هویت مکانی با در نظر گرفتن ظرفیت انطباقی شهروندان پیشنهاد داد.



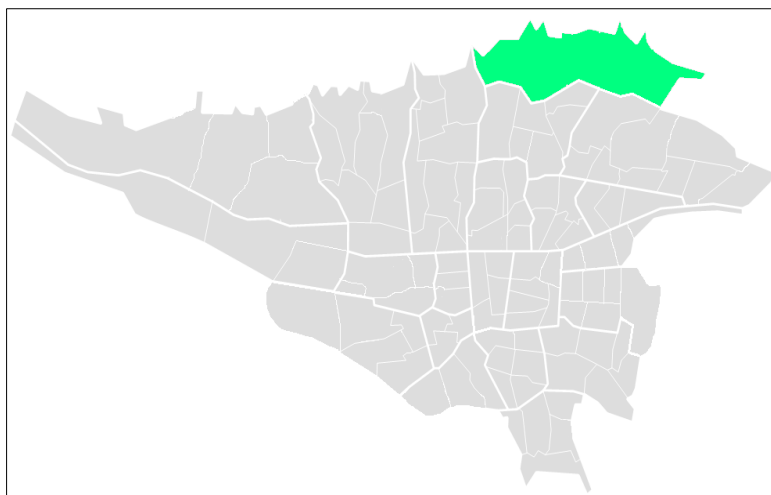
تصویر (۱) مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری دلبستگی مکانی بر شکل‌گیری هویت مکانی نوین از نماهای مسکونی مدرن (نگارندگان، ۱۳۹۹).

## ۲. نقش دلبستگی مکانی در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران

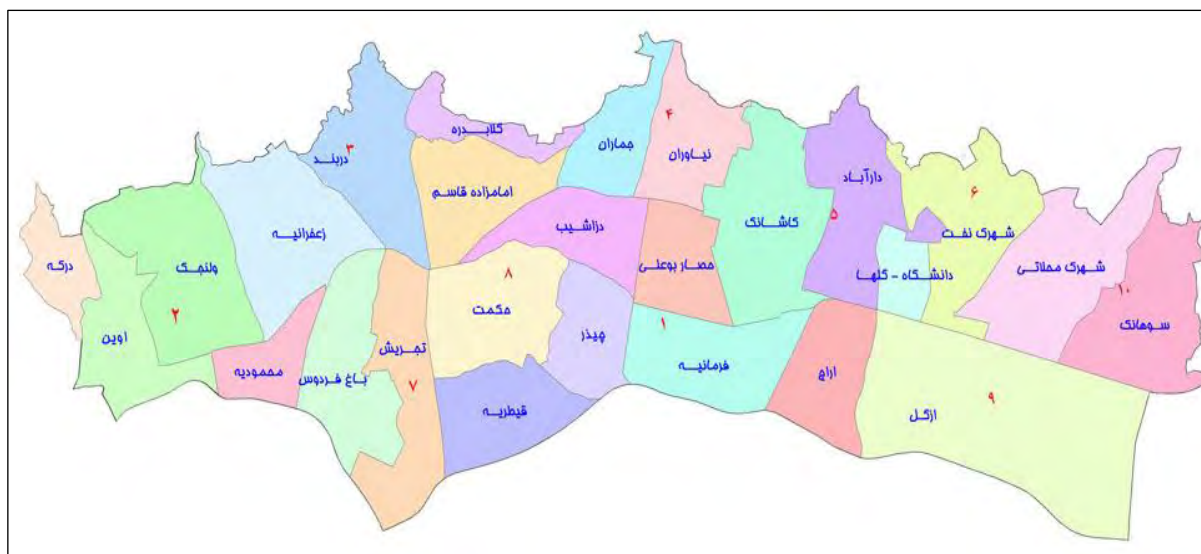
یکی از مسائل مهم در تحقیقات میدانی، انتخاب حجم نمونه است، زیرا چنانچه حجم نمونه را زیاد از حد بزرگ انتخاب کنیم، متضمن کار زیاد و هزینه‌های فوق‌العاده است و اگر حجم نمونه کمتر از حد معین باشد، تحقیق بازدهی مطلوبی نداشته و نتیجه حاصله نادرست و غیرقابل تعمیم برای آن جامعه است و اطلاعات جامعی از آن حاصل نمی‌شود. تعیین حجم نمونه به ۲ عامل بستگی دارد: (۱) هزینه‌ای که برای محقق در نظر گرفته می‌شود. (۲) قابلیت اعتماد و اطمینانی که جهت دقت نتایج، مورد انتظار است (منصورفر، ۱۳۷۶: ۳۰). جمعیت مورد مطالعه این تحقیق شامل نمونه منتخبی از جامعه آماری یعنی شهروندان منطقه یک شهر تهران است که با توجه به محدودیت‌های تحقیق از جمله گستردگی جغرافیایی و پراکندگی جمعیت مورد نظر و هم‌چنین مدت زمان تحقیق، انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از جامعه آماری از فرمول کوکران استفاده شد که فرمول آن به شرح زیر است:

$$n = \left[ \frac{Z \frac{\alpha}{2} \cdot S}{d} \right]^2 = \left[ \frac{1/96 \times 0/62}{0/07} \right]^2 = 384$$

همان‌طور که مشخص است نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر است که پرسشنامه تحقیق بین آن‌ها توزیع شد. منطقه یک شهرداری تهران، یکی از مناطق شهری تهران می‌باشد که در شمال این شهر قرار گرفته است. مساحت جغرافیایی این منطقه از طرف شمال محدود به ارتفاعات ۱۸۰۰ متری دامنه جنوبی کوه‌های البرز، از جنوب به بزرگراه شهید چمران حد فاصل دوراهی هتل آزادی و بزرگراه مدرس و پل آیت‌الله صدر و از غرب به اراضی رودخانه درکه و از شرق نیز به بزرگراه ارتش-کارخانه سیمان و منبع نفت شمال شرق تهران محدود می‌شود. وسعت این منطقه ۴۶,۹ کیلومتر مربع و دارای جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر می‌باشد. و دارای ۱۰ ناحیه و ۲۷ محله است (تصویر ۱ و ۲).



تصویر (۲) موقعیت قرارگیری منطقه ۱ و محلات آن در شهر تهران (منبع: نگارنده).



تصویر (۳) موقعیت قرارگیری منطقه ۱ و محلات آن در شهر تهران (منبع: نگارنده)

از نظر وضعیت اقتصادی، عموماً منطقه یک به عنوان منطقه‌ای با سطح اقتصادی بالا شناخته می‌شود که اغلب اقشار تحصیل کرده و سرمایه‌دار و صاحبان شرکت و مدیران عالی رتبه در آن سکونت می‌گزینند. در همین راستا، ساختمان‌های موجود در این منطقه در سطح کیفیت و درجه مدرن بود، به نوعی در سطح کشور پیشتاز هستند و به نوعی ویتترین و نماد ساختمان‌هایی می‌باشند که در سال‌های آینده از آن‌ها در مناطق دیگر شهر تهران و شهرهای دیگر مورد تقلید واقع خواهند شد. نمایی از این سبک در تصاویر (۴) و (۵) قابل مشاهده است.



تصویر (۴) کیفیت و شمای کلی از نماهای ساختمان‌ها در منطقه یک شهر تهران (منبع: نگارنده).



تصویر (۵) کیفیت و شمای کلی از نماهای ساختمان‌ها در منطقه یک شهر تهران (منبع: نگارنده).

در مرحله بعدی، پایایی پرسشنامه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. ارزشیابی قابلیت اعتماد (پایایی) در اندازه‌گیری، عبارت است از تعیین مقدار تفاوت نمره افراد در نتیجه بی‌ثباتی اندازه‌گیری (حبیب‌پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸). در واقع به معنای آن است که آیا روش انتخاب شده، موضوع مورد نظر را به طور دقیق می‌سنجد یا خیر؟ در واقع، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد پایایی (قابلیت تکرار) دارد و اگر با همان واحد تحلیل مکرر به کار رود، نتایج یکسانی به دست می‌آید یا خیر؟ به عبارت دیگر، پایایی به میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم و این که در صورت تکرار ابزار اندازه‌گیری در شرایط مشابه، نتایج حاصله به چه میزان مشابه‌اند، نیز اطلاق می‌شود (Carmines and Zeller, 1979: 16). روش آلفای کرونباخ مهم‌ترین و پرکاربرترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم افزار Spss است. روش آلفای کرونباخ، مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است. این روش بستگی به هماهنگی کارکرد آزمودنی از یک سوال به سوال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سئوالات می‌باشد. در نهایت، براساس همبستگی درونی سئوالات، مقدار آلفا استخراج می‌شود. چنان‌چه این مقدار بیش‌تر از ۰,۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه‌های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفا دلالت بر پایایی پائین ابزار اندازه‌گیری دارد (حبیب‌پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

جدول (۱): بررسی پایایی پژوهش (منبع: نگارنده).

Item No.	Cronbach Alpha
----------	----------------

۱۵

۰,۷۸۱

همانطور که مشاهده می‌شود در پژوهش صورت گرفته، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد ۰/۷۸۱ می‌باشد که نشان دهنده این می‌باشد که پژوهش صورت گرفته از پایایی مناسبی برخوردار و نتایج حاصله قابل اتکا است. بنابراین پس از بررسی پایایی پژوهش و مثبت بودن نتایج به تحلیل و ارزیابی پرداخته شده است. در مرحله بعد، بررسی و تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به اصول حاکم بر روش مدلسازی معادلات ساختاری، قبل از بررسی معناداری روابط مسیرها و ضرایب اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر در هر مسیر، بایستی پایایی و روایی مدل ارائه شده مورد بررسی قرار گیرد. یکی از راه‌های بررسی پایایی مدل پژوهش استفاده از ضریب پایایی مرکب است و روایی مدل نیز با استفاده از روایی همگرایی AVE مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

شرط برقراری پایایی سازه این است که اندازه پایایی مرکب (CR) از ۰/۷ بزرگ‌تر باشد. (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱).

جدول شماره (۲) شاخص پایایی مرکب (منبع: نگارنده)

ردیف	متغیر	پایایی مرکب (CR)
۱	دلبستگی مکانی به نماهای مسکونی ساختمانی مدرن	۰,۷۹۸
۲	ظرفیت انطباقی شهروندان با نماهای مدرن	۰,۸۱۳
۳	شکل‌گیری هویت مکانی نوین	۰,۷۳۵

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشخص است، اندازه پایایی مرکب در مدل مورد بررسی پژوهش قابل قبول است. همچنین، روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در نرم‌افزار پی.ال.اس به کار می‌رود. این شاخص توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) پیشنهاد شد و برای این شاخص حداقل مقدار ۰/۵، مقدار بحرانی در نظر گرفته شده است. بدین معنا است که متغیر پنهان مورد نظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می‌کند.

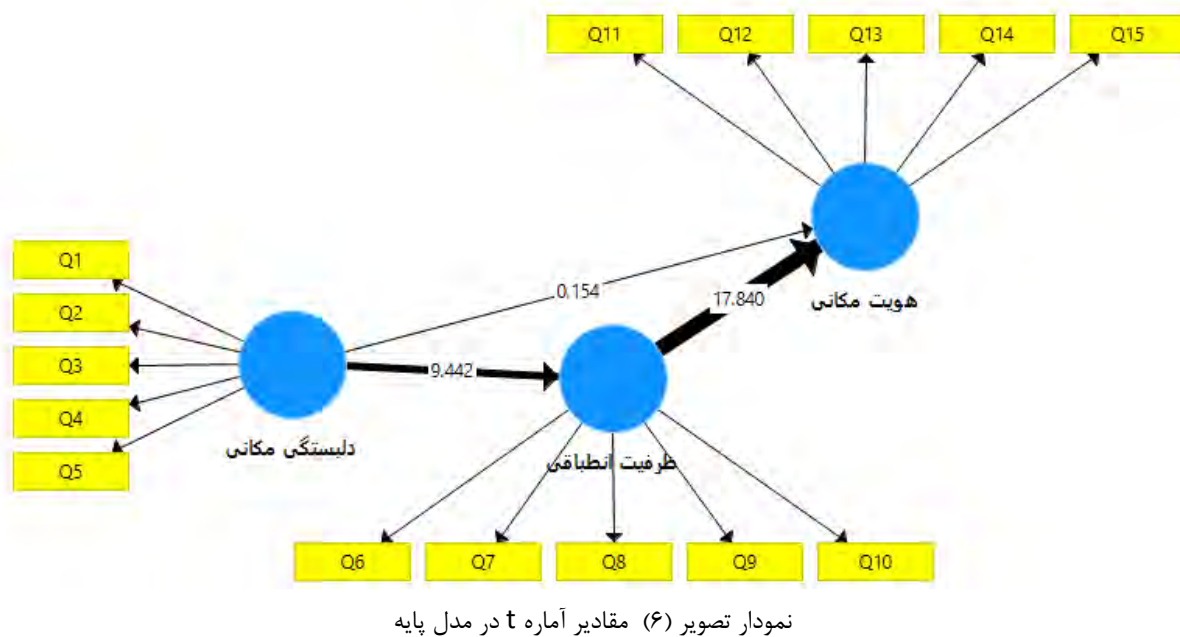
جدول شماره (۳) شاخص روایی همگرایی مدل (منبع: نگارنده)

ردیف	متغیر	پایایی مرکب (CR)
۱	دلبستگی مکانی به نماهای مسکونی ساختمانی مدرن	۰,۶۸۰
۲	ظرفیت انطباقی شهروندان با نماهای مدرن	۰,۷۱۲



ردیف	متغیر	پایایی مرکب (CR)
۳	شکل‌گیری هویت مکانی نوین	۰,۷۵۳

همچنان که در جدول شماره (۴) آمده است، مقادیر AVE تمامی شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ محاسبه شده و روایی همگرایی مدل نیز تایید می‌شود. در مرحله بعدی تحلیل داده‌ها، ارزیابی مدل ساختاری مد نظر قرار داده شد. نمودارهای شماره (۴) و (۵) نشان‌دهنده مدل‌های کلی خروجی نرم‌افزار PLS است که هم‌زمان هم در برگیرنده مدل ساختاری و هم مدل اندازه‌گیری می‌باشد که در ادامه آن‌ها را به تفصیل تفکیک نموده و مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای آزمون فرضیه از آماره  $t$  استفاده شد. برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازه‌تی ( $t$ -value) استفاده شد که در نرم‌افزار پی‌اچ‌اس با استفاده از الگوریتم راه‌اندازی خودکار ۱ به‌دست می‌آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۵). در این مدل اگر ضریب معناداری ( $t$ ) بالاتر از ۱,۹۶ باشد رابطه بین دو عامل (مسیر) در نمونه مورد مطالعه با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.



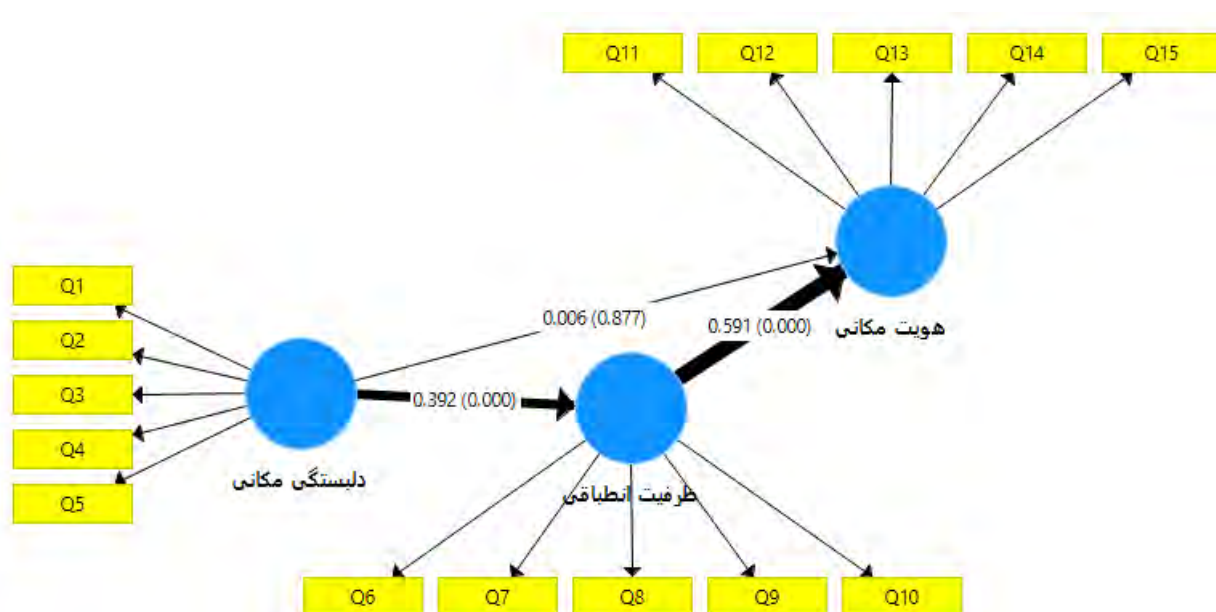
جدول شماره (۴) آمارهای بررسی کننده روابط مدل مفهومی (منبع: نگارنده)

P Values	T Statistics ( O/STDEV )	Standard Deviation (STDEV)	رابطه مورد بررسی
***	۹.۴۴۲	۰.۰۴۲	دلبستگی مکانی - ظرفیت انطباقی

1. Bootstrapping

دلبستگی مکانی - > هویت مکانی	۰.۰۳۸	۰.۱۵۴	۰.۸۷۷
ظرفیت انطباقی - > هویت مکانی	۰.۰۳۳	۱۷.۸۴۰	۰.۰۰۰

همان‌طور که در نمودار تصویر (۶) و جدول (۴) مشخص است به‌غیر از اثرگذاری مستقیم متغیر دلبستگی مکانی بر هویت مکانی، روابط به وجود آمده بین متغیرهای دیگر معنادار به دست آمده است. نمودار تصویر (۷) ضریب مسیر هریک از این روابط معنادار را نشان می‌دهد.



نمودار تصویر (۷) مقادیر ضرایب مسیر مدل پایه (منبع: نگارنده).

ضرایب مسیرهای معنادار عددی بین ۰ و ۱ است که هرچه این عدد به یک نزدیک شود، شدت این رابطه بیشتر است. همان‌طور که نمودار تصویر (۷) مشخص است دلبستگی مکانی به‌طور مستقیم توانایی تغییر هویت مکانی را ندارد و این مهم به وسیله اثرگذاری بر ظرفیت انطباقی افراد رخ خواهد داد. همچنین بررسی ضرایب مسیر در دو رابطه «دلبستگی مکانی-ظرفیت انتخابی» (۰,۳۹۲) و «ظرفیت انتخابی-هویت مکانی» (۰,۵۹۱) بیان‌گر این امر است که مسیر دلبستگی مکانی-ظرفیت انتخابی-هویت مکانی در درک از نماهای شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران و هویت‌سازی بر مبنای آن، می‌تواند به عنوان مسیری بحرانی در نظر گرفته شود.

## نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به رشد جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه در اثر مهاجرت‌های گسترده به شهرها شاهد افزایش تراکم ساختمانی و نتیجتاً رشد ساختمان‌های مسکونی، اداری و خدماتی چند طبقه و یا بلندمرتبه‌ها هستیم. این امر سبب شده است که نماهای ساختمانی که در قالب صفحاتی سلب در جداره شریان‌های اصلی و فرعی شهرها به بیننده ارائه می‌شوند، دارای اهمیت چشم‌گیری شوند و به‌نوعی به نماینده معماری آن ساختمان تبدیل شوند. همچنین افزایش ساخت‌وسازهای ساختمان‌های مسکونی و عرضه فراتر از نیاز این ساختمان‌ها سبب شده است که طراحان و معماران با رویکردها و روش‌های مختلفی سعی داشته باشند که خلاقیت خود در ساختمان مورد نظر را نشان دهند و الزامات کارفرمای خود مبنی بر جذب شهروندان و متقاضیان خرید مسکن را فراهم آورند.

با این وجود، سلیقه شهروند ایرانی در گذر از گذشته تا امروز در بین دوگانگی بین سنت و مدرنیته در تغییر بوده است. این امر بحران هویتی را درک از کالبدی که در آن زندگی می‌کند برای او فراهم آورده است. در همین راستا، این پژوهش در پی بررسی چگونگی تغییر و بازسازی این هویت مکانی با در نظر گرفتن دو عامل دلبستگی مکانی و ظرفیت انطباقی در آن‌ها بوده است. همچنین، نماهای ساختمانی مدرن در منطقه یک شهر تهران به عنوان نمونه بارز و برجسته تغییر کالبد از سنت به مدرنیته به عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب شد. در همین راستا، پس از مروری بر مفاهیم دلبستگی مکانی، ظرفیت انطباقی و هویت مکانی، مدل مفهومی تبیین شد و بر مبنای آن پرسشنامه ساختاریافته‌ای با استفاده از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. پس از توزیع پرسشنامه، داده‌ها به روش مدلسازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار Smartpls تحلیل شد. نتایج نشان دادند که دلبستگی مکانی، به تنهایی و به صورت مستقیم، قادر بر اثرگذاری بر فرایند هویت‌سازی نماهای شهری در شکل مدرنیته خود نمی‌باشد. بررسی روابط دیگر استخراج شده از داده‌های تحقیق نشان دادند که رابطه معنادار و اثرگذاری بین دلبستگی مکانی با ظرفیت انطباقی افراد و همچنین بین ظرفیت انطباقی و هویت مکانی وجود دارد. با توجه به شدت نسبتاً قوی این روابط می‌توان این‌گونه بیان کرد که کالبد نماهای مدرن ابتدا توسط افراد درک می‌شود و در طی زمان با میزان ظرفیت انطباق‌پذیری هر فرد که از شرایط اجتماعی، محیطی و اقتصادی اون سرچشمه می‌گیرد هماهنگ می‌شود و در مرحله آخر و به طور تدریجی به فرایند ساخت هویت مکانی منجر خواهد شد.

## منابع و مأخذ:

مهدوی نژاد، محمدجواد؛ طالب هاشمی، سیده سارا. (۱۳۹۶). "کیفیت طراحی و اجرا در تحقق مفهوم هویت در معماری معاصر ایران". دو فصلنامه اندیشه معماری، شماره ۱، ۹۴-۱۰۵.

### English sources:

Abadian Residential Community, Hamedan, Iran. (2013). *Research Journal of Environmental and Earth Sciences* 5,11 (2013), 645-650.

Brooks, N., & Adger, W.N., & Kelly, P.M. (2005). "The determinants of vulnerability and adaptive capacity at the national level and the implications for adaptation". *Glob. Environ. Change*, 15, 151-163.

Cutter, S.L., & Barnes, L. (2008). "A placebased model for understanding community resilience to natural disasters". *Glob. Environ. Change* 18 (4), 598-606.

De Loe, R.C., & Kreutzwiser, R. (2000). "Climate variability, climate change and water resource management in the Great Lakes". *Climatic Change* 45, 163-179.

DeVries, J. (1985). Historical analysis of climate-society interaction. In: Kates, R.W., Ausubel, J.H., Berberian, M. (Eds.), *Climate Impact Assessment*. Wiley, New York.

Feitelson, E. (1991). "Sharing the globe: the role of attachment to place". *Global Environmental Change* 1, 396-406.

Fresque-Baxter, J. A., & Armitage, D. (2012). "Place identity and climate change adaptation: a synthesis and framework for understanding". *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change*, 3(3), 251-266.

Gheitarani, N., & El-Sayed, S., & Cloutier, S. (2020). "Investigating the Mechanism of Place and Community Impact on Quality of Life of Rural-Urban Migrants". *International Journal of Community Well-Being*, 3(1), 21-38.

Gifford, R. (2011). "The dragons of inaction: Psychological barriers that limit climate change mitigation and adaptation". *American Psychologist*, 66(4), 290.

Habibi, K., Hoseini, S. M., Dehshti, M., Khanian, M., & Mosavi, A. (2020). "The Impact of Natural Elements on Environmental Comfort in the Iranian-Islamic Historical City of Isfahan". *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(16), 5776.

Kim, J., & Kaplan, R. (2004). "Physical and psychological factors in sense of community new urbanist Kentlands and nearby Orchard Village". *Environment and behavior*, 36(3), 313-340.

Low, S. M., & Altman, I. (1992). *Place attachment*. 1-12.

Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). "Place-identity". *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.

Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). "The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections". *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 422-434.

- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). "The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior". *Journal of environmental psychology*, 30(3), 289-297.
- Seara, T., & Clay, P. M., & Colburn, L. L. (2016). "Perceived adaptive capacity and natural disasters: A fisheries case study". *Global Environmental Change*, 38, 49-57.
- Smit, B., & Pilifosova, O. (2003). From adaptation to adaptive capacity and vulnerability reduction. In: Smith, J.B., Klein, R.J.T., Huq, S. (Eds.). *Climate Change, Adaptive Capacity and Development*. Imperial College Press, London.
- Smit, B., & Wandel, J. (2006). "Adaptation, adaptive capacity and vulnerability". *Global Environmental Change* 16 (3), 282–292.
- Smith, C., & Clay, P.M. (2010). "Measuring subjective and objective well-being: examples from five commercial fisheries? Hum". *Org*, 69 (2), 158–168.
- Trentelman, C. K. (2009). "Place attachment and community attachment: A primer grounded in the lived experience of a community sociologist". *Society and Natural Resources*, 22(3), 191-210.
- Wagner, M., Chhetri, N., Sturm, M. (2014). "Adaptive capacity in light of Hurricane Sandy: the need for policy engagement". *Appl. Geogr.* 50, 15–23.
- Wang, J., & Wang, X. (2019). *Structural equation modeling: Applications using Mplus*. John Wiley & Sons.